

مجاهدان متحد، محبوبان خدا

حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی عبدالله زاده*

اشاره

وحدت مجاهدان در راه خدا از دیدگاه آیات و روایات، اهمیت بسزایی در اسلام دارد. وجود اختلافها و نزاعها میان مجاهدان و جبهه مقاومت، یکی از ترندهای دشمنان اسلام است که به منظور تضعیف مجاهدان و آسان کردن حمله‌های خود به مردم بی‌گناه فلسطین، به تشدید این اختلافها می‌پردازند. بررسی آیات، روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، به روشنی نشان می‌دهد که وحدت در جریان جهاد، یکی از برنامه‌های کلیدی الهی است.

هم‌افزایی و همگرایی از ضرورت‌های جامعه مسلمانان در برابر کافران و دشمنان اسلام به شمار می‌آید. موفقیت مسلمانان در برابر استکبار جهانی، به هماهنگی در جهاد علیه دشمنان بستگی دارد. امروزه نیز شاهد فعالیت گروه‌ها و شبکه‌هایی هستیم که به دنبال تشدید اختلاف‌های مذهبی و قومی میان مسلمانان هستند. در مقابل این شرایط، پرسش بنیادی این است که چرا وحدت میان مجاهدان و جبهه مقاومت در برابر استکبار جهانی به‌ویژه اسرائیل و آمریکا ضروری است؟ باید گفت دشمنان به‌ویژه اسرائیلی‌ها و غربی‌ها با تکیه بر نزاع‌های مذهبی و قومی، سعی در دامن‌زدن به اختلافها و ایجاد تفرقه میان مجاهدان دارند. بنابراین در این نوشتار، به بررسی اهمیت وحدت مجاهدان در راه خدا و تأثیر منفی اختلافها بر قدرت آنها پرداخته می‌شود.

وحدت مجاهدین و پرهیز از اختلاف در آیات

خداوند متعال در آیات مختلف، وحدت میان مجاهدان در راه خدا را تشویق می‌کند و از نزاع و اختلاف نهی می‌نماید؛ از جمله:

* دانشجوی دکتری و پژوهشگر گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.

اول: خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَّرْصُوعٌ»^۱ خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او متحد و یک پارچه در خط و صف واحدی می جنگند، گویی آنان همچون دیواری مستحکم هستند».

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می نویسد: «نفس پیکاری که مطرح است، اهمیت ندارد، بلکه آنچه مهم است این است که پیکار "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" باشد و این کار باید با اتحاد و انسجام کامل، همانند سدی فولادین انجام گیرد. مرصوص در اینجا بدین معناست که مجاهدان راه حق در برابر دشمن باید یکدل و یکجان، مستحکم و استوار بایستند، گویی همگی به یک واحد پیوسته اند که هیچ گونه شکافی در میانشان وجود ندارد. از مهم ترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان، انسجام و هم پیوستگی صفوف در میدان نبرد است؛ نه تنها در نبردهای نظامی، بلکه در نبرد سیاسی و اقتصادی نیز جز از طریق وحدت، کارها به سرانجام نخواهد رسید. قرآن دشمنان را به سیلابی ویرانگر تشبیه می کند که تنها با سنگر فولادین می توان آنها را مهار کرد. تعبیر به "بُيُوتٌ مَّرْصُوعٌ" جالب ترین تعبیر در این زمینه است؛ در یک بنا یا سد عظیم، هر یک از اجزا نقشی دارند، اما این نقش تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که هیچ گونه فاصله یا شکافی میان آنها وجود نداشته باشد و چنان متحد گردند که گویی فقط یک واحد وجود دارد. همگی باید تبدیل به یک دست و یک مشت عظیم و محکم شوند که دشمن را درهم می شکنند و متلاشی می کنند. افسوس که این تعالیم بزرگ اسلام امروز فراموش شده و جامعه اسلامی نه تنها شکل "بُيُوتٌ مَّرْصُوعٌ" ندارد، بلکه به صفوف پراکنده ای تبدیل گشته که در برابر یکدیگر ایستاده اند و هر کدام هوا و هوس خاص خود را دارند ... هم اکنون آثار خشم خدا و غضب الهی را در این جامعه چند صد میلیون نفری با چشم خود می بینیم که یکی از نمونه های آن تسلط گروه کوچکی از صهیونیست ها بر سرزمین های اسلامی است»^۲.

بنابراین در شرایط عادی، وحدت و اتحاد و دوری از تفرقه لازم است؛ اما در برابر دشمن، صفوف مؤمنان باید متحدتر، نفوذناپذیرتر و مستحکم تر باشد.^۳

دوم: خداوند متعال می فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

۱. صف: ۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۶۴-۶۶.

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۶۰۳.

وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛^۱ [فرمان] خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و در میان خود نزاع و کشمکش نکنید تا سست نشوید و قدرت و شوکت شما از میان نرود؛ و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است».

علامه طباطبایی^۲ در تفسیر این آیه می‌فرماید: «با نزاع و کشمکش میان خود، اختلاف ایجاد نکنید و عزت و قدرت خود را از دست ندهید؛ زیرا اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی شما را از بین می‌برد».^۲ ایشان در ادامه اشاره می‌کنند که رعایت اطاعت از خدا و رسول^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} و نداشتن نزاع و اختلاف در جنگ‌های اسلامی به‌ویژه هنگامی که مسلمانان با لشکر دشمن مواجه می‌شوند، واجب است. دقت در جزئیات تاریخ جنگ‌های اسلامی زمان رسول خدا^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} مانند بدر، احد، خندق و حنین، به‌روشنی بیان می‌کند که رمز پیروزی مسلمانان در رعایت همین دستورات بوده است و علت شکست آنها در موارد ناکامی، بی‌توجهی و سهل‌انگاری در پایبندی به این اصول بوده است.^۳

خداوند در این آیه، مجاهدان مؤمن را از اختلاف و تنازع نهی می‌کند؛ فخر رازی می‌نویسد: «خداوند در این آیه بیان می‌کند که ثمره نزاع و اختلاف دو چیز است؛ نخست: سستی و ضعف؛ و دوم: از دست دادن حکومت و دولت».^۴ اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورهای اکید الهی است که در آیات متعدد به آن تأکید شده است و باید در تمام زمینه‌ها رعایت گردد؛ به‌ویژه در زمان جنگ و درگیری با دشمن که ضرورت بیشتری دارد؛ همچنان‌که خداوند در سوره «صف»^۵ از اتحاد، نظم و هماهنگی مجاهدان تعریف کرده است.^۶

سوم: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِأِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^۷ و

۱. انفال: ۴۶.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۵.

۳. همان، ص ۹۶-۹۷.

۴. محمد فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۴۸۹.

۵. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ».

۶. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۳۰.

۷. آل عمران: ۱۵۲.

به یقین خدا وعده‌اش را برای شما در جنگ احد تحقق داد، آن زمان که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه‌کن شدن می‌کشتید، اما وقتی سست شدید و در مورد جنگ و غنیمت و حفظ سنگری که محل نفوذ دشمن بود، به نزاع و ستیز برخاستید و پس از آنکه آنچه را که از پیروزی و غنیمت دوست داشتید، به شما نشان داد، از فرمان پیامبر در رابطه با حفظ سنگر سرپیچی کردید. برخی از شما دنیا را می‌خواستید و برخی دیگر خواهان آخرت بودند؛ سپس خداوند برای آنکه شما را امتحان کند، از پیروزی بر آنها بازداشت و از شما درگذشت. و خداوند بر مؤمنان دارای فضل است».

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیه می‌فرماید: «جمله "حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ غَضِبْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ" به عملی که تیراندازان کردند، ناظر است. در بین خود نزاع به وجود آوردند؛ یک عده گفتند باید فرمان رسول خدا را اطاعت کنیم، و عده‌ای دیگر گفتند باید خود را به همراهان رسول خدا برسانیم تا غنیمتی به چنگ آوریم. این بگو و مگو آنها را سست کرد و در نهایت، بیشترشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نافرمانی کرده و مواضع خود را خالی کردند».^۱ سستی، نزاع و اطاعت نکردن از فرماندهی از جمله عوامل شکست است. جزای کسی که به جای شکر نعمت پیروزی، به اختلاف و نافرمانی و سستی دامن بزند، شکست است.^۲ بنابراین، خداوند متعال در این آیات و آیات دیگر^۳ مجاهدان در جنگ و در راه خدا را تشویق می‌کند که با هم وحدت داشته باشند و از اختلاف و نزاع دوری کنند؛ زیرا این موارد موجب شکست در جهاد می‌شود. چنان‌که امروزه مسلمانان با اختلاف‌هایی که دارند، نمی‌توانند در برابر اسرائیل پیروز شوند، مگر اینکه به صفوف جبهه مقاومت ملحق شوند.

وحدت مجاهدان و پرهیز از اختلاف در روایات

در روایات متعددی مجاهدان و مسلمانان به همبستگی و هم‌افزایی سفارش شده‌اند؛ همچنین از اختلاف و تفرقه بر حذر داشته شده‌اند. آیت‌الله جوادی می‌فرماید: «حضرت علی علیه السلام گاهی با زبان محبت و تشویق جامعه اسلامی را به اتحاد و هم‌صدایی فرا می‌خواند و گاهی با لحن تهدید، امت اسلامی را از تفرقه بر حذر می‌دارد. در برخی مواقع، خیر جامعه را در سایه وحدت

۱. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۴.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۶۲۸.

۳. همان.

معرفی می‌کند و در دیگر مواقع، خطر تفرقه را اعلام می‌دارد؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَالرَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّنَبِ»؛^۱ زیرا دست غیبی پروردگار بر متحدان است، باید سواد اعظم و امت منسجم اسلامی را حفظ نمود. همچنان‌که گوسفند وامانده از رمه از حفاظت چوپان محروم است و طعمه گرگ می‌شود، لازم است از صفوف به‌هم‌فشرده مسلمانان فاصله نگیرید تا از آسیب و سوسه شیطان در امان باشید».

هیچ فرد خردمند یا گروه متفکری از خیر روی بر نمی‌گرداند و به شر نمی‌گراید، مگر آنکه در تشخیص خیر و شر دچار اشتباه شده باشد. علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای هدایت به معیار خیر و شر، اتحاد و همدلی را محور خیر می‌داند و اختلاف و کینه‌ورزی را محور شر معرفی می‌کند و در این باره می‌فرماید: «فَيَاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِنْ مَنْ بَقِيَ».^۲ از این سخن بلند، نه تنها سودمندی اتحاد و زیان‌باری اختلاف آشکار می‌شود، بلکه استمرار سنت الهی در گذشته، حال و آینده نیز روشن می‌گردد؛ زیرا اساس فیض الهی بر وحدت و جماعت بنا شده است و هیچ‌گونه خیری در تفرقه و کثرت‌گرایی نامعقول نخواهد بود.^۳

امیر مؤمنان علیه السلام نه تنها از تفرقه افکنی ناخشنود بود، بلکه می‌فرماید: «كَرِهْتُ أَنْ أَفَرِّقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ».^۴ همچنین در پاسخ به درخواست ابوسفیان برای بیعت در مقابل سقیفه، حضرت علی علیه السلام آنان را از تفرقه و اختلاف نهی می‌کند و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ وَعَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُتَأَفَّرَةِ»؛^۵ ای مردم، با کشتی‌های نجات امواج فتنه‌ها را بشکافید و از مسیر دشمنی و اختلاف دوری کنید».

همچنین حضرت می‌فرماید: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكَ دِمَائِهِمْ؛ وَ النَّاسُ حَدِيثٌ وَ عَهْدٌ بِالإِسْلَامِ وَ الدِّينُ يَمْخَضُ مَخَضَ الْوُطْبِ يَفْسِدُهُ أَذْنَى وَ هُنَّ وَ

۱. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۲۵۵.

۳. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۶۸۰-۶۸۱.

۴. محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، ص ۵۰۷.

۵. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۵۲.

يَعْرِضُهُ أَقْلُ خَلْقٍ؛^۱ دیدم صبر بر این وضعیت از تفرق کلمه مسلمانان و ریختن خونشان بهتر است. مردم تازه مسلمان اند و دین مانند مشکي است که تکان داده می شود، کوچک ترین سستی آن را تباه می کند و کوچک ترین فردی آن را وارونه می نماید».

امام علی علیه السلام در موارد متعددی ضمن معرفی رهبری جامعه در جایگاه محور وحدت، یارانش را از پراکندگی و اختلاف مذمت می کند؛ به ویژه در سال چهلیم هجرت و زمانی که گزارش های مداوم از شکست یاران امام در کوفه رسید، حضرت به سرزنش یاران خود به دلیل سستی در نبرد و نافرمانی از دستورات فرماندهانشان پرداخت و فرمود: «أُنَيْتُ بُسْرًا قَدِ اَطَّلَعَ الْيَمَنَ وَ اِنِّي وَ اللّٰهِ لَاظُنُّ اَنَّ هُوَ لَآءِ الْقَوْمِ سَيِّدَالْوَنِ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلٰى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ اِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ اِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ؛^۲ به من خبر رسیده که بُسر بر یمن تسلط یافته است. به خدا سوگند، می دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند یافت؛ چراکه آنان در یاری کردن باطل خود وحدت دارند، و شما در دفاع از حق خود پراکنده اید. شما امام خود را در حق نافرمانی می کنید و آنها امام خود را در باطل، فرمان بردارند».

آیت الله مصباح: می نویسد: «یاران معاویه با وجود گمراهی و فسادشان، دو مزیت بزرگ بر پیروان امام داشته اند؛ نخست: هماهنگی و همدلی با یکدیگر و برنامه ریزی در کارها؛ دوم: اطاعت محض و بی چون و چرا از فرمان حاکم».^۳

امام علی علیه السلام در مشورت با خلیفه دوم، او را از شرکت در جنگ منصرف می کند تا بین صفوف سربازان اختلاف ایجاد نشود و اسلام شکست نخورد؛ چنان که می فرماید: «وَمَا كَانَ الْقِيَمُ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْمَعْ بِحَدِّ فَيْرِهِ أَبَدًا؛^۴ مرتبه زمامدار در این وضعیت، مرتبه رشته ای است که مهره ها را جمع می کند و به هم ارتباط می دهد. اگر رشته بگسلد، مهره ها پراکنده می شوند و هر کدام به جایی می روند و پس از آن هرگز همه آنان جمع نخواهند شد».

اهل بیت علیهم السلام می فرمودند اگر کیان اسلام و زنان و کودکان مسلمانان در خطر باشد، باید به کمک آنان بروند؛ حتی اگر حاکم جائز و طاغوت باشد؛ همچنان که ثقة الاسلام کلینی، شیخ

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۶۶.

۳. محمد تقی مصباح یزدی، عبرت های خرداد، ص ۱۵۱.

۴. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۲۰۳.

صدوق و شیخ طوسی رحمتهما الله از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده‌اند که به امام رضا علیه السلام گفت: «اگر فلانی یک شمشیر و یک اسب رایگان ارائه دهد، تا در راه خدا جهاد کند و چون از شرایط جهاد بی‌خبر است، می‌رود و شمشیر و اسب را دریافت می‌کند. امام رضا علیه السلام فرمود: باید به صاحبش برگرداند». یونس می‌گوید: «مرد به جستجو پرداخت، ولی صاحب شمشیر و اسب را نیافته است، امام رضا علیه السلام فرمود: در مرز متوقف شود، ولی پیکار نکند». یونس پرسید: «اگر حمله‌ای صورت گرفت، به پیکار و جهاد پردازد؟ امام رضا علیه السلام فرمود: نه، مگر اینکه دشمن چیره باشد و از اسارت زنان و کودکان مسلمان در هراس باشد».

امام رضا علیه السلام ادامه داد: «شیعه ما می‌تواند در مرز نگهبانی بدهد؛ ولی حق ندارد پیکار کند، مگر اینکه هستی (کیان) اسلام و مسلمانان در خطر باشد که در این حالت، پیکار او مسئله‌ای شخصی است و با حکومت غاصب ارتباطی نخواهد داشت». درباره‌ی حالتی که دشمن بر مرز بتازد و او مشغول نگهبانی باشد، امام رضا علیه السلام فرمود: «در این حالت از هستی و موجودیت اسلام دفاع می‌کند، نه از سران حکومت؛ چراکه اگر اسلام از بین برود، حتی اگر به ظاهر کسی وجود داشته باشد، اسلام محمدی نیز از بین می‌رود».^۱

این روایت صحیح است و علامه مجلسی نیز آن را تصحیح نموده است.^۲ در این روایت، گرچه سخن از موالیان و دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام است و تأکید می‌شود که نباید برای حاکمان جور جهاد کرد،^۳ بلکه جهاد باید تنها برای امام عادل باشد، ذیل روایت ذکر می‌شود که اگر جهاد به منظور حفظ کیان اسلام و دفاع از مسلمانان باشد، باید جهاد و قتال انجام شود. این قید عام است و تمامی کسانی را دربر می‌گیرد که برای حفظ اصل اسلام و دفاع از مسلمانان جهاد می‌کنند، چه آن افراد شیعه باشند و چه اهل سنت؛ برای مثال مشاهده می‌شود که امام سجاد علیه السلام برای سربازان نگهبان و مرزبان در مرزها دعا می‌کنند، با اینکه بسیاری از آن مرزبانان شیعه نبودند و در زمان بنی‌امیه قرار داشتند.^۴

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۱؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۰۳؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۲۵.

۲. محمدباقر مجلسی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۹، ص ۳۳۲؛ همو، مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۳۴۶. محمد مؤمن قمی، الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية، ج ۱، ص ۵۰۵.

۴. «خدایا، بر محمد و آل او درود فرست، مرزهای مسلمانان را با عزت و نیروی خود مستحکم ساز، مرزداران را با قدرت خویش تأیید کن، و با غنای خود نعمت فراوان به ایشان ببخش. شمارشان افزون کن و سلاحشان برنده.

نتیجه

اختلاف و دودستگی موجب شکست مسلمانان در جهاد و جنگ می‌شود؛ به گونه‌ای که خداوند در آیات متعدد این اختلاف را نهی می‌کند. از مطالب بیان شده به این نتیجه می‌توان رسید که بر اساس آیات و روایات، وحدت میان مجاهدان و نبود اختلاف و نزاع میان آنان واجب است. خداوند متعال مجاهدان متحد را دوست می‌دارد؛ همچنین نزاع را مذمت می‌کند. اهل بیت: نیز در موارد متعددی بر وحدت مسلمانان و مجاهدان در راه خدا تأکید کرده‌اند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، چ ۱، قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن جریر طبری، محمد، تاریخ الرسل والملوک وصلة، چ ۲، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۴. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، چ ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، چ ۱، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۷. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چ ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۸. _____، تهذیب الأحکام، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۹. فخرالدین رازی، محمد، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. قمی، سیدصادق حسینی روحانی، فقه الصادق، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

حوزه‌هایشان حراست فرمای و پیرامونشان را نفوذ ناپذیر گردان. جمعشان متحد کن و خود به تدبیر کارهاشان پرداز. سررشته آذوقه‌شان گسسته مگردان و دشواری‌ها از پیش پایشان بردار» (امام علی بن الحسین علیه السلام، الصحيفة السجادية، دعای ۲۷، ص ۱۲۶).

۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. _____، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. مصباح یزدی، بن محمدتقی، عبرت های خرداد، ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. مؤمن قمی، محمد، الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ق.